

به يك تپسم تو هر دو دیده می دادم ،  
 برای دیدن تو ، گر نبند به دیده نیاز .  
 چگونه بود مرا تا بیک شب هجران ؟  
 نبود با عم عشق تو ، گردلم دساز .  
 \*

عجب زان همه احساسش اعرانه تو  
 که از دلم به نگاهی نمی شوی آگاه .  
 هر آنچه واژه تلخ است و نیشدار بگوش  
 بمن نگو " نه " کزین " نه " بجان رسیدم . آه !

ترجمه از ژاله